

۴ نوآوری جذاب روزنامه طلوع

که در سطح کشور یا جنوب کشور و یا استان فارس برای اولین بار و بی نظیر است

۳. رنگی بودن تمام صفحات

۱. نمایش فیلم + مطلب

۲. خبر + تحلیل خبر

۴. اینفوگرافیک در برخی شماره ها

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۶ | ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ | 10 Jan. 2018 | سال بیست‌وسوم | شماره ۲۱۴۸ | بها ۱۰۰۰ تومان



گفت‌وگو با عباس محبی، بازیگر طنز رادیو

تلخی‌های زندگی با کمی شکر قابل تحمل است!

۸



اولین و تنها روزنامه تمام رنگی استان فارس

منطقه جنوب ایران (فارس/خوزستان/بوشهر/کئیکلویه و بویراحمد/هرمزگان)

مقاله

محمد مهدی جعفری زاده

مسئولان بین‌شعاری مخالفان و موافقان، وقت تلف نکنند

۲

با اعلام رایزنی برای احیای «سازمان ملی پرورش استعدادها در خشان» عنوان شد:

تلاش برای اندازه‌گیری هوش‌هایی به جز هوش ریاضی و فیزیک دانش آموزان

همراه با تحلیل خبر

۲

معاون اقتصادی استاندار فارس مطرح کرد:

کاهش قیمت تخم‌مرغ و محصولات لبنی در فارس

۲

ورزشی

اسفندماه امسال:

یاسوج میزبان اردوی تیم ملی فایترانی بانوان می‌شود

۷

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

حسین مرعشی:

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به فکر اصلاحاتی در کشور بود که این اصلاحات نمی‌توانست پیش‌شرطی داشته باشد

آیت‌الله هاشمی می‌خواست در دور دوم انتخابات ۸۴ انصراف دهد، روحانی از طرف رهبری آمد و گفت آیت‌الله خامنه‌ای با انصراف موافق نیست

۱

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

حسین مرعشی: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به فکر اصلاحاتی در کشور بود که این اصلاحات نمی‌توانست پیش‌شرطی داشته باشد

آیت‌الله هاشمی می‌خواست در دور دوم انتخابات ۸۴ انصراف دهد، روحانی از طرف رهبری آمد و گفت آیت‌الله خامنه‌ای با انصراف موافق نیست

سال قبل از آن در اوج جنگ که همه شعار می‌دادند «جنگ تا جایی که رفتن است و جهان»، کسی بود که می‌دانست باید جنگ تمام شود و دچار جو نمی‌شده است و فراتر از جو تشخیص می‌داد که باید جنگ تمام شود.

در دوران سازندگی مقدار زیادی از سیاست‌هایی که امروز عادی شده است و برای مثال همه می‌گویند: دولت نباید در سیاست‌های اقتصادی دخالت کند و یا قیمت ارز تابع بازار باشد و یا باید صادرات را افزایش دهیم. هاشمی روزی برای تمام این سیاست‌ها هزینه داده است و هاشمی با این سیاست‌ها جهت حرکت کشور را تغییر داد.

اگر هاشمی می‌توانست تمام برنامه‌هایش را اجرا کند وضعیت امروز ما خیلی متفاوت از چیزی بود که درگیر اشتغال جوانان و نارضایتی مردم هستیم. در برنامه پنج سال اول که سیاست‌های هاشمی اجرا شده است رشد اقتصادی ایران به‌صورت میانگین سالانه ۷.۶ درصد بوده است. در ۵ سال دوم که سیاست‌های کنترلی و تثبیتی اجرا شد رشد اقتصادی ایران به‌صورت میانگین دو و نیم درصد بود. آخرین پیش‌بینی‌های این کشور در شرایط بحرانی قرار بگیرد که بخواهد از گردنه‌های عبور کند در آنجا بود هاشمی به‌شدت احساس می‌شود. می‌خواهم بگویم پر کردن جای خالی هاشمی یک کار جمعی است و ما باید به سمتی حرکت کنیم که با ایجاد سازمان‌های سیاسی و سازمان‌های هماهنگ‌کننده بتوانیم این خلاها را پر کنیم. از نسل اول انقلاب که تنها مقام رهبری مانده‌اند و برای نسل دوم ما باید بیشتر از آنکه به اشخاص تکیه کنیم باید به نهادهای جمعی که می‌سازیم تکیه کنیم. هاشمی یکی از تفاوت‌هایش با مسلمانان قبل از خودش این بود که کار جمعی را بلد بود. شما می‌بینید که در تمام کارها هاشمی کارهای جمعی انجام داده است. هاشمی فردی بوده که نهاد ساز و نهادگرا بوده است، ما می‌توانیم خیلی چیزهای فردی را با نهادهای جمعی پر کنیم.

یکی از نقدهایی که به هاشمی وارد می‌شود این است که بعد از جنگ با پیاده کردن و پایه‌ریزی سیاست‌های اقتصاد بازار آزاد معضلات اقتصادی برای کشور رقم زد که با ادامه اجرای این سیاست‌ها توسط دولت‌ها بعد از هاشمی شاهد بروز مشکلات اقتصادی و معیشتی برای انبوهی از مردم هستیم. البته به گفته بسیاری از کارشناسان اقتصادی هاشمی معضلات این سیاست‌ها را اجرا کرد؛ اما روسای جمهور بعد از وی سرعت بیشتری به آن بخشیدند. نظر شما در خصوص این تصمیمات اقتصادی هاشمی چیست؟

هاشمی در اجرای سیاست‌ها اقتصادی آن زمان انعطاف فوق‌العاده‌ای داشت و علی‌رغم این که سیاست‌های روشنی داشت ولی انعطاف در اجرای آن به خرج می‌داد. بگذارید با مثال موردی کمی موضوع را شفاف‌تر کنم. در سال ۷۴ که کشور دچار مشکلات اقتصادی زیادی شد من مسئول دفتر هاشمی بودم.

در آن زمان مجموعه‌ای از سیاست‌ها اجرا شده بود و برای مثال وزارت بازرگانی در آن زمان گفته بود که بخش خصوصی کالاهای اساسی را وارد کند و از آن‌طرف در نظام بانکی فعالان باید صد درصد پول را می‌گذاشتند تا آل سی برای آن‌ها باز شود و کسی صد درصد پول را نداشت که این کار را انجام دهد. از طرف دیگر تغییر نرخ ارز از هفت تومان به صد و هفتاد تومان اتفاق افتاده بود و حجم نقدینگی بیشتری برای تأمین این کالاها نیاز بود و همچنین نزدیک به نه میلیارد تومان کشور یوناس‌های کوتاه‌مدت استفاده کرده بود و بانک مرکزی با دلار هفت تومان این کار را کرده بود و بانک مرکزی در زمان سررسید که باید به‌طرف خارجی بازپرداخت می‌کرد باید دلار با نرخ صد و هفتاد تومان بازپرداخت می‌کرد و در نتیجه بانک مرکزی تفاوت این رقم را چون دولت توان پرداخت آن را نداشت دولت را به‌کار کرده بود.

مسائل را نیز داشته باشند اما هیچ‌کدام به‌اندازه هاشمی نفوذ و روابط ندارند. برای مثال همین مجمع تشخیص که می‌توانست ریاست آن را به دیگران واگذار کند اما شش ماه طول کشید که ریاست بعدی آن را مشخص کردند. انشا الله خداوند ایشان را هم شفا دهد که دوباره مشکلی پیش نیاید.

کشور به شکلی باشد که نیاز به تصمیمات مهمی باشد، آنجاست که مشخص می‌شود می‌خواهم بگویم که جایگاه خالی هاشمی به این راحتی‌ها پر نمی‌شود. اگر شرایط کشور عادی باشد ممکن است که این خلأ را زیاد هم احساس نکنیم اما اگر شرایط کشور به شکلی باشد که نیاز به تصمیمات مهمی باشد، آنجاست که مشخص می‌شود نبود هاشمی چه گرفتاری‌هایی ایجاد می‌کند. برای مثال وقتی که در انتخابات خبرگان سال ۸۴ هاشمی بنا نداشتند برای خبرگان ثبت‌نام کنند، اما مقام رهبری تأکید داشتند که هاشمی حضور داشته باشد و در این خصوص جمله‌ای داشته که گفتند: مگر می‌شود خبرگان بخواهند، برای تعیین رهبر آینده ایران جلسه تشکیل دهند اما هاشمی در آنجا حضور نداشته باشد.

منظور من این است که اگر کشور در شرایط عادی باشد همه می‌توانند تفسیر ایفا کنند و یک‌دیگر عادی طی می‌شود اما در شرایط حساس این‌گونه نیست. هاشمی همیشه در مقاطع حساس در نقش کارگردان و یک رول فوق‌العاده بازی کرده است و شواهد این موضوع نیز زیاد است. اگر به قبل از انقلاب بازگردیم این مسئله کاملاً محرز بود که هاشمی در تصمیم‌گیری در میان انقلابیان و گردانندگان انقلاب گرفته نمی‌شد مگر آنکه هاشمی در آن نقش داشته باشد. خاطره‌ای برای شما بگویم که خالی از لطف نیست. در آن زمان نظام شاهنشاهی به زندانیان پیشنهاد داده بود که ما به شما زمان می‌دهیم و شما بیاید در تلویزیون صحبت کنید، طالقانی، مرحوم منتظری و فکر می‌کنم بازگان نیز در آن مقطع زندان بوده‌اند. در زندان بحث می‌شود که آیا این کار خوب است یا خیر و در نهایت به این نتیجه می‌رسند که کار خوبی است و همان‌جا می‌گویند که باید با هاشمی هم مشورت کنیم. یکی از دوستان مأمور می‌شود که بعد از مرخص شدن با رفسنجانی مشورت کند و بعد نطق تندی داشته باشد که به زندان بازگردد. رفسنجانی بی‌درنگ با این کار مخالفت می‌کند و می‌گوید: «ضبط این صحبت‌ها با شما است اما پخش آن به دست آنهاست و آن‌ها می‌توانند صحبت‌های شما را قطع کنند و در نهایت شما را در برنامه‌ای قرار می‌دهند که به ضرر نهضت است.» بگذارید مثال دیگری بگویم، یک روزی من احساس سنگینی کردم همچنین هاشمی از فشارها خسته شده بود. به او گفتم: «این قضایا را رها کنید و خودتان را آنقدر آذین نکنید.» گفت: «در دوران انقلاب در دو زمان همه بریدند و این بریدن نیز به امام منتقل شد و حتی امام هم ممکن بود که تسلیم این بریدگی شوند، من بودم که به نجف رفتم و امام را متقاعد کردم که باید بایستند، حال از من می‌خواهید که کنار بکشم.» پس در دوران مبارزه قطعاً نقش برتر را هاشمی بازی کرده است. این موضوع در دوران استقرار نظام هم صدق می‌کند، حوادث سال ۶۰ حوادث سختی بود. وقتی که حادثه هفت‌تیر اتفاق افتاد بخشی از نمایندگان مجلس، رئیس قوه‌قضاییه و یاران امام رفتند و ماها که جوان‌تر بودیم واقعاً فکر می‌کردیم کار تمام است و حتی بعد از آن نیز هشت شهروید و انفجار در دفتر نخست‌وزیری اتفاق افتاد و شهید باهنر و شهید رجایی در این حوادث شهید شدند و بعد از آن نیز انفجاری رخ داد که منجر به مجروح شدن خامنه‌ای شد و هیچ‌کس جز هاشمی باقی نمانده بود و تنهایی کشور را اداره کردند و دیدیم که کشور را از آن بحران عبور داد. بعد از حادثه هشت شهروید حتی سوریه که متحد نزدیک ایران بود تا یک هفته بعد از اتفاق پیام تسلیت نداد و حافظ اسد فکر کرد کار جمهوری اسلامی تمام است و سقوط می‌کند.

اگر به جلوتر بیایم در دوران جنگ ایشان فهمید که باید پایان جنگ را مدیریت و جنگ را تمام کند، آدم‌های معمولی وقتی در جوی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند از آن جوی خارج شوند. در آن زمان من استاندار کرمان بودم و استانداران به همراه موسوی نخست‌وزیر وقت را به دفتر هاشمی دعوت کردند تا برای پایان جنگ توجیه کنند، چند استاندار در آن جلسه گریه کردند به دلیل تمام شدن جنگ، نبی‌زاد استانداران از هاشمی خواستند که با امام صحبت کنند تا دوباره جنگ را شروع کنیم.

این جلسه بعد از قبول قطعنامه تشکیل شد؟

بله. می‌خواهم بگویم که فضا این بود و کسی که این فضا را رقم‌زده است و از یک

شورای امنیت ملی تیمی را برای بررسی موضوع علت مرگ آیت‌الله هاشمی مشخص کرده‌اند؛ ولی تا آنجا که من می‌دانم هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

به گزارش عصر ایران: نام حسین مرعشی بانام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گره‌خورده است. مرعشی جدا از خویشاوندی که به‌واسطه همسر آیت‌الله با هاشمی داشت. یار جدانشدنی هاشمی بود. اعتماد آیت‌الله به مرعشی به‌اندازه‌ای بود که او ریاست دفترش در زمان ریاست جمهوری هاشمی استاندار استان محل تولد هاشمی نیز بود.

مرعشی در زمان ریاست جمهوری هاشمی استاندار استان محل تولد هاشمی نیز بود. به مناسبت اولین سالگرد درگذشت هاشمی حسین مرعشی به دفتر عصر ایران آمد و با او در مورد مسائل کشور و البته آیت‌الله هاشمی به گفت‌وگو نشستیم.

مرعشی در این گفت‌وگو حرف‌هایی زد که شاید برای اولین بار است که در تاریخ سیاسی ایران مطرح می‌شود از جمله تصمیم هاشمی برای انصراف از دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴. مشروح کامل این گفت‌وگو در مورد آیت‌الله هاشمی را در ادامه بخوانید:

یک سؤال در جامعه درباره نوع مرگ هاشمی رفسنجانی به وجود آمده است، برخی از اعضای خانواده هاشمی هم به شکلی برخورد کرده‌اند که مرگ هاشمی را مشکوک جلوه می‌دهد. نظر شما در این خصوص چیست؟

این موضوعی است که من در مورد آن صحبت نمی‌کنم چرا که من پزشک نیستم و این موضوع نیز درجه‌ای از اهمیت بوده که شورای امنیت ملی نیز تیمی را برای بررسی موضوع مشخص کرده‌اند؛ ولی تا آنجا که من می‌دانم هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

بحث موضوع وصیت‌نامه هاشمی رفسنجانی چگونه است، هاشمی شخصی است که سال‌ها خاطراتش را یادداشت می‌کرده چگونه کسی که جزئی‌ترین وقایع زندگی روزانه‌اش را می‌نوشت، وصیت‌نامه‌ای بجا نگذاشته است؟

من هم برداشتم شما را دارم اما این موضوع هم در صلاحیت من نیست که درباره آن نظر بدهم.

بعضی معتقدند که وصیت‌نامه‌ای وجود دارد؛ اما بنهان باقی‌مانده است؟ فرزندان آن‌ها در این مورد صحبت‌هایی داشته‌اند که موضوع را حساس تر کرده است.

شاید بتوان آن‌ها را وصیت‌نامه گذاشت؛ اما یادداشت‌هایی ممکن است در مورد مسائل مختلف وجود داشته باشد. به‌رحال فرزندان هاشمی صلاحیت بیشتری برای اظهارنظر در این خصوص دارند. وصی هاشمی، محسن هاشمی است و اجازه دهید وی در این مورد صحبت کنند.

یک سال بعد از مرگ هاشمی بارها نام افرادی برای جایگزینی ایشان سر زبانه افتاد، به نظر شما آیا چنین جایگزینی اتفاق افتاده است یا هنوز جامعه فقدان هاشمی را احساس می‌کند؟

هاشمی چند خصوصیت را با هم داشتند و این خصوصیت‌ها کمک می‌کرد که هاشمی نقش منحصربه‌فردی داشته باشد. سابقه ایشان در انقلاب، تجربه دوران مبارزه، تجربه استقرار نظام، تجربه دوران جنگ و همچنین تجربه دوران پس از جنگ و بازسازی ایران و ایشان برای حداقل ۵ دهه در عرصه سیاسی حضور داشته است. به‌طورمعمول سیاستمداران در دورانی حضور فعال دارند و بعد دچار افول می‌شوند اما هاشمی رفسنجانی برای یک مدت طولانی در سیاست ایران حضور داشته‌اند. حضور طولانی مدتی که از دهه چهل تا دهه نود امتداد داشته است.

این حضور طولانی مدت به همراه ارتباط گسترده او با نهادهای مختلف بوده است و برای مثال او با نهادهای منبج از رهبری ارتباطی داشت که اگرچه قسمتی از سپاه بعدها منتقد هاشمی شدند اما تمام آن‌ها در دوران جنگ از مدیران رده میانی بودند که آرزویشان گزارش دهی به ایشان بود. همچنین هاشمی تنها کسی بود که حتی تا آخرین روزهای زندگی خود می‌توانست با رهبری دیدارهای خارج از چارچوب‌های رسمی کشور داشته باشد.

این سوی دیگر با مراجع، مدرسین قم و دانشگاهیان و مردم ارتباط گسترده‌ای داشته است. این موارد باعث شد که یک نقش منحصربه‌فردی به هاشمی داده شود. حال فرض کنیم افرادی هم باشند که هوش و ذکاوتشان به‌اندازه هاشمی بوده باشد و همچنین به‌اندازه هاشمی دلجو مردم و انقلاب نیز باشند و توانایی قدرت تجزیه و تحلیل